



۳۰ سال تلاش معدنچی زن

مقدمه

اولین تیشه را که به سنگ سخت کوبیده بود ، دستانش با آن بیگانه بود اما خاطرات زندگی اش سهتی سنگ روزگار را به خوبی می شناخت. زن ، روزی که معدن را به عنوان محل کارش برگزید ، خوب می دانست روزگار سخت به پایان خواهد رسید. او از همان روز با امید به دل کوه می رفت و سنگ استخراج می کرد و نام خود را به عنوان تنها زن معدنچی ثبت میکرد. منیزه ابن عباسی در سال ۱۳۲۵ در مهاباد متولد شد او در سال های نخستین زندگی اش صاحب ۴ فرزند پسر و ۲ دختر شد. هنوز در ده سوم زندگی بود که همسرش فوت کرد و او ناچار شد تا برای ارتقای زندگی تصمیم بزرگی بگیرد و لبخند هر روزه فرزندانش را نظاره گر باشد.

دنبال چه کاری بودید؟

می خواستم در معدن و در کوه کار کنم.

آفها چه عکس‌العملی در برابر این درخواست شما نشان دادند؟
می گفتند یک زن نمی‌تواند این کار را انجام دهد. من هم خیلی اصرار کردم تا اینکه اجازه دادند کارم را شروع کرده و سنگ از معدن استخراج کنم.
زمانی که شروع به کار کردید و سختی کار را دیدید، چگونه ادامه دادید؟

کار خیلی سخت بود ولی من مسئولیت شش فرزندم را باید به دوش می‌کشیدم. خسته می‌شدم ولی دیدن چهره‌های خندان فرزندانم به من انرژی می‌داد. سه ماه سه ماه با من قرار داد می‌بستند و در کوه کار می‌کردم.

پس از آن چقدر پلکان ترقی را بالا رفته‌ید؟

چند سالی کار کردم. اگر چه به گفته آنها نه همسری داشتم و نه ماشینی، ولی چند کارگر گرفته بودم و به خوبی پس از مدتی از عهده کار بر آمدم. تا اینکه در مزایده شرکت کردم. دوبار اول برنده نشدم. با این حال با همان سختکوشی باز هم به کارم ادامه دادم. بار سوم بود که در مزایده شرکت کردم و بالاخره برنده شدم.

چند ساعت در طول روز در معدن کار می‌کنید؟
۳۰ سال است ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه صبح از خواب بیدار

از چه زمانی بطور مستقل شروع به کار کردید؟
از سال ۶۱ شروع به کار کردم.

چطور شد که تصمیم گرفتید کار کنید؟
بعد از مرگ شوهرم تصمیم گرفتم برای امرار معاش و چرخاندن چرخ زندگی ام با شش فرزند کوچک کار کنم.

از کجا شروع کردید؟
به اداره کل صنایع رفتم و اعلام کردم همسرم فوت کرده و می‌خواهم کار کنم.

در مواقع خستگی چه می کردید؟

نمایش می خواندم. در معدن چشمهاست است که آب خیلی

خیلی زیاد. در شباهه روز تنها ۲ ساعت می خوابیدم از صبح تا عصر در معدن مشغول به کار بودم و بعد از آن هم به خانه می آمدم باید به امور بچه ها رسیدگی می کردم. شباهه روز من در کار و فعالیت می گذشت ولی نالامید نمی شدم.

خودم باروت درست می کنم. درست کردن باروت را با تجربه به دست آورده ام و با دقت زیاد آن را انجام می دهم.

در سال های اول کار چقدر تلاش کردید تا توانستید به اینجا برسید؟

خیلی زیاد. در شباهه روز تنها ۲ ساعت می خوابیدم از صبح تا عصر در معدن مشغول به کار بودم و بعد از آن هم به خانه می آمدم باید به امور بچه ها رسیدگی می کردم. شباهه روز من در کار و فعالیت می گذشت ولی نالامید نمی شدم.

فرزندانتان در این مدت چگونه همراهی تان کرده اند؟

فرزندانم از اینکه مادرشان فردی زحمتکش است، همیشه ابراز خوشحالی و شادمانی کرده اند.

برای استخراج سنگ چگونه عمل می کنید؟

وقتی باروت می گذاریم و انفجار را ناجام می دهم، خیلی خوشحال و سرحال می شوم. روزهای انفجار برایم روزهای خاصی است.

باروت را از کجا تهییه می کنید؟

خودم باروت درست می کنم. درست کردن باروت را با تجربه به دست آورده ام و با دقت زیاد آن را انجام می دهم.

در سال های اول کار چقدر تلاش کردید تا توانستید به اینجا برسید؟

خیلی زیاد. در شباهه روز تنها ۲ ساعت می خوابیدم از صبح تا عصر در معدن مشغول به کار بودم و بعد از آن هم به خانه می آمدم باید به امور بچه ها رسیدگی می کردم. شباهه روز من در کار و فعالیت می گذشت ولی نالامید نمی شدم.

در مواقع خستگی چه می کردید؟

نمایش می خواندم. در معدن چشمهاست است که آب خیلی

می شوم و آب، غذا، يخ و تمام مایحتاج دیگر را در طول روز برای ۵ تا ۱۰ کارگر یک رانده ام تهییه می کنم. راننده دنبال می آید و من از ساعت ۶ صبح تا ۶ عصر در معدن همراه کارگران سنگ استخراج می کنیم.

چه سنگی استخراج می کنید و چند کارگر دارد؟

سنگ پی و سنگ تریینی. ۸ مرد در معدن چکش زنی می کنند، لودر چیمه داریم.

به حرف ها و دستوراتی که به آنها می دهید، توجه می کنند؟

بله. به تمام حرف هایم توجه می کنند. آنها به کارشان علاقه دارند. آنها از من حقوق می گیرند و در برآورش باید به کاری که می گوییم توجه کنند و آن را با دقت انجام دهند.

در میان کارگران تان، کارگر زن هم دارد؟

نه تمام کارگرانم مرد هستند.

انرژی این همه سال انجام کار طاقت فرساند?

معدن را از کجا به دست آورده اید؟

من خودم به خودم انرژی می دهم. به کارم علاقه دارم.

از همان اول دنبال کار را

گرفتم و با تلاش و کوشش زیاد خودم را به اینجا رسانیده ام.

کسی که می خواهد در معدن کار کند،

باید چه ویژگی و خصوصیتی داشته باشد؟

کار من خیلی سخت است. هر کسی نمی تواند

در معدن کار کند. من هم فقط با علاقه بوده که

توانسته ام پیشرفت کنم. از کسب روزی حلال خوشحال

می شوم و با این گونه فکر کردن است که توanسته ام پیش

بروم.

آن سالها فکر می کردید، یک روزی تا این اندازه موفق شوید؟

بله. چون به کارم علاقه زیادی داشتم. وقتی هر روز می دیدم

که با دست خالی به خانه برمی گردم، احساس می کردم

روزهای روز قوی تر خواهند شد.

دوستان، آشنایان و خانواده تان برای کار کردن شما در معدن مخالفت نکردند؟

خیلی ها می گفتند این کار برای یک زن بد و سخت است.

ولی من به آنها گفتم: اجازه دهید کارم را ادامه دهم و شما با

تلاش و مواقفیت هایم بیشتر آشنا خواهید شد.

در لحظه های تنهایی چه دعایی می کنید؟

دعای سلامتی، روزی حلال از خداوند می خواهم.

تا چه زمانی می خواهید کار کنید؟

تا زمانی که راه می روم.